

افشین زرگر*

مریم مومنی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۷

چکیده

این مقاله در پی آن است که وضعیت حقوق بشر را در ترکیه بررسی و تاثیر آن را بر روند مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا تحلیل نماید. ترکیه یکی از کشورهای راهبردی و مهم در منطقه محسوب می‌شود، روابط ترکیه و اتحادیه اروپا از ابتدای درخواست ترکیه برای الحاق با چالش‌های بسیاری همراه بوده است. اصولاً بحث‌های الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا از یک زاویه، عدم تطبیق وضعیت حقوق بشر با استانداردهای اتحادیه اروپا بررسی شده است، و حزب عدالت و توسعه از ابتدای پیروزی‌اش تلاش‌های بسیاری برای ایجاد فضای سیاسی و اقتصادی که لازمه دولتی دموکرات می‌باشد را ایجاد نموده و این در حالی است که اتحادیه اروپا از عدم شفافیت استانداردهای مربوط به حقوق اقلیت‌ها رنج می‌برد و تنها بر حقوق گروه خاصی از اقلیت‌ها تاکید می‌ورزد. علاوه بر این موضوعات دیگری که روند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا را به تعویق انداخته است عبارتند از: مشکل قبرس، فعالیت‌های ملی‌گرایانه اکراد و سرکوب معترضین تظاهرات سال ۲۰۱۳، همچنین کودتای نافرجام جولای.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، استانداردهای حقوق بشر، اقلیت قومی، اسلام‌گرایی، آزادی سیاسی – مدنی، نوعثمانی‌گری کودتا.

*استادیار روابط بین‌الملل

** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

Zargar.a2003@gmail.com

Maryammomeni8@gmail.com

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیست‌وسوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۲۸-۱۱۱.

مقدمه

بازگشت دین به جامعه ترکیه منجر می‌شود که گروه‌های بسیاری از مردم با یکدیگر و حتی با نظام سیاسی آشتی کنند، برخی از منتقدین باور دارند که وجود و تداوم ساختارهای غیردینی، نتیجه کنش و واکنش عوامل متعددی می‌باشد. ضمن اینکه قشرهای روشن‌فکر ترکیه و فن‌سالاران، ساختار لاییک حکومت را به‌نفع خود می‌دانند. به‌همین علت از این ساختار حمایت می‌کنند و در مقابل گرایش‌های دینی در ترکیه منجر می‌شود که جنبش‌های اسلامی در این کشور توانمند شوند. همچنین ارتش در جمهوری ترکیه نقش ویژه‌ای دارد، اما ساختار سیاسی غیردینی جمهوری ترکیه با چالش‌های بسیاری مواجه است و نسبت به گذشته شکننده‌تر شده‌اند. علاوه بر این، سیاست‌مداران اروپایی در مسائل حساسی که ملزومات اخلاقی برایشان ایجاد می‌نماید، مستقیماً دخالت نمی‌کنند و در چنین شرایطی دوگانه عمل می‌نمایند.

وضعیت حقوق بشر و دموکراسی در ترکیه ۲۰۱۵-۲۰۰۳

در سال ۲۰۰۳ مجلس ترکیه قانونی را مبنی بر آزادی به‌کارگیری زبان کردی تصویب نمود؛ زیرا پیش از آن اکثر اکراد به‌ندرت می‌توانستند برای کودکانشان اسامی کردی انتخاب نمایند. در سال ۲۰۰۴ اولین دوره‌های آموزشی زبان کردی (به‌صورت خصوصی) آغاز گردید و برای اولین بار برنامه تلویزیون به زبان کردی پخش شد. در سال ۲۰۰۵ مناطق رومایی‌ها^۱ در استانبول غصب گردید و با این قوم به‌طرز غیراخلاقی‌ای برخورد شد. در آوریل ۲۰۰۶ در منطقه جنوب شرقی ترکیه هنگام درگیری بین تظاهرکنندگان کرد و نیروهای پلیس، بسیاری کشته شدند. همچنین در استانبول در طی ناآرامی‌های مذکور چند تن آسیب جدی دیدند. پارلمان ترکیه در سال ۲۰۰۶ قوانین جدید ضدتروریستی را تصویب کرد که منجر به نگرانی اتحادیه اروپا گردید. در فوریه ۲۰۰۷ رئیس‌جمهور پیشین ترکیه و ۱۲ تن از سیاست‌مداران حامی کردها، به‌علت سخنرانی به زبان کردی به یک سال و شش ماه زندان محکوم شدند. در ۱۲ آوریل ۲۰۰۷ فرمانده نیروهای ارتش در

^۱. Roma

رسانه‌ها، از اتحادیه اروپا و نهاد تحقیقاتی اقلیت‌ها^۱ به علت فعالیت‌هایشان در زمینه اقلیت‌های ترکیه به‌شدت انتقاد نمود. (Kurban, 2007)

طبق گزارش کمیسیون اروپایی در سال ۲۰۱۵ به‌رغم اینکه نفوذ جامعه مدنی در زندگی عموم مردم در بسیاری از زمینه‌ها افزایش یافته است، کماکان با محدودیت‌هایی نیز همراه بوده، و آزادی بیان، آزادی تجمع مسالمت‌آمیز برخلاف استانداردهای اتحادیه اروپا بوده است. (European Commission, 2015)

حقوق بشر یکی از اصلی‌ترین عواملی است که روند الحاق ترکیه را کند کرده است و به‌رغم گزارش پیشرفت ترکیه در زمینه منع شکنجه، فسخ مجازات اعدام^۲ و بهبود وضعیت اقلیت‌های غیردینی و اکراد، این قوانین کماکان از ضعف برخوردار هستند. کمیسیون اروپایی به مسائلی مانند عدم تساوی جنسیتی و آزادی بیان اشاره کرده است. همچنین طبق آمار و شواهد مهم‌ترین مسئله برای الحاق ترکیه در افکار عمومی اروپا، مسئله حقوق بشر می‌باشد و به موارد دیگری مانند تفاوت‌های فرهنگی و مهاجرتی نیز اشاره شده است. (Gerhard and Hans, 2011: 9)

تطبیق وضعیت حقوق بشر در ترکیه با استانداردهای حقوق بشر اروپایی

در ابتدا توضیح کوتاهی در مورد نظریه ادوارد سعید و اثرش (شرق‌شناسی) ارائه می‌شود، سپس موضع اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر و دموکراسی در ترکیه بررسی می‌شود. ادوارد سعید در این کتاب اشاره می‌کند که غرب خود را در زمینه‌های فلسفی، فرهنگی، و روشنگری نسبت به شرق مسلط و برتر می‌داند و اضافه کرده که خود غرب چنین دیدگاهی را ایجاد نموده است تا «دیگری» برای شرق شکل بگیرد. ادوارد سعید نشان می‌دهد که چرا اروپا در تلاش مداوم است که مانع از ورود ترکیه به اتحادیه اروپا شود و علت روانی آن تفاوت از پیش موجود برای قرن‌های متوالی در اذهان دولت‌های اروپایی نسبت به ترکیه می‌باشد. (Toghhill, 2012)

1. Minorities Research Group

2. Abolishing of Death Punishment

حزب عدالت و توسعه در طی ۱۲ سال تلاش‌های بسیاری برای مطابقت دادن هنجارهای حقوقی و سیاسی مورد نظر اتحادیه اروپا را انجام داده، اما کماکان محدودیت‌های قابل توجهی در زمینه حقوق مربوط به آزادی افکار و دین داشته و نسبت به آزادی دین بی‌طرف نبوده و کماکان جانبداری پیش گرفته است، به‌عنوان مثال در ترکیه کودکان خانواده‌های علوی مجبور هستند دروس دینی - فرهنگی اسلامی را آموزش ببینند، که این امر ماده دو پروتکل دادگاه حقوق بشر اروپایی را نقض می‌کند. (European Commission, 2015)

در جولای ۲۰۱۲ مشخص شد که سرویس اینترنتی ترکیه بر شبکه‌های اینترنتی، سرویسی به‌نام (فوروم)^۱ را نصب کرده که می‌تواند اطلاعاتی در مورد اشخاص و یا سازمان‌ها بدون آگاهی، رضایت و اطلاع آنها جمع‌آوری کند و این سرویس می‌تواند ارتباطات کاربران را تحت نظر داشته باشد. (Stakeholder Report, 2014)

مواضع اتحادیه اروپایی به سیاست‌های دولت ترکیه در قبال اقلیت‌های قومی

حقوق اقلیت‌ها بخشی ضروری از حقوق بشر بین‌الملل، و ساختاری قانونی است که حقوق گروه خاصی که در جامعه آسیب‌پذیر، به حاشیه رفته و محروم می‌باشد را تضمین می‌نماید. (Cinar and Yildirim, 2014)

جمهوری ترکیه قانون محافظت از حقوق اقلیت‌ها را از طریق معاهده لوزان (1923) پذیرفت، که بر اساس آن غیرمسلمانان همانند دیگر شهروندان ترک از حقوق اساسی برخوردار هستند. اما در عمل منشور لوزان ایزدی‌ها و آشوری‌ها را پوشش نمی‌دهد و طبق آن اقلیت‌ها شامل یونانی‌ها، ارمنی و یهودی‌ها می‌باشند، ترکیه در حالی معاهده لوزان را پذیرفت که در قانون اساسی ترکیه به‌طور مستقیم نامی از حقوق اقلیت‌ها ذکر نشده است. (Kurban, 2007)

اتحادیه اروپا به حقوق اقلیت‌ها در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی (کاندیدای الحاق) بسیار اهمیت می‌دهد. ترکیه تا سال ۲۰۱۲ بر اساس معاهده لوزان، حقوق دیگر اقلیت‌ها را تضمین نکرده

¹. Phrom

بود و علت آن عدم کارایی و تعریف جامع از این گروه‌ها در معاهده لوزان می‌باشد. تا پیش از دهه ۲۰۰۰ (روند الحاق) حقوق اقلیت‌ها بر اساس معاهده لوزان به لحاظ عملی و لفظی تنها به حوزه محدودی تعلق داشت.

قابل توجه است که حقوق اقلیت‌های ترکیه از عوامل داخلی و خارجی نشئت می‌گیرد. با وجود این، تأثیر اتحادیه برای استحقاق حقوق اقلیت‌های ترکیه از عوامل زیر نشئت می‌گیرد: یک. کاهش اعتبار شروط اتحادیه در مقابل ترکیه؛ دو. عدم شفافیت استانداردهای مربوط به حقوق اقلیت‌ها در اتحادیه؛ سه. تمرکز مداوم اتحادیه بر حقوق گروه خاصی از اقلیت‌های ترکیه و چهار. عدم معیار مشخصی (از سوی اتحادیه) برای ارزیابی تحقق حقوق اقلیت‌ها. علاوه بر این، شاهد معیارهای تبعیض‌آمیز و دوگانه حقوق اقلیت‌ها از سوی اتحادیه در مقابل ترکیه (در قیاس با دیگر کشورهای کاندید) می‌باشیم که همین عوامل، رویکرد حقوق اقلیت‌ها را تضعیف نمود. (Yilmaz, 2012)

وضعیت کردها در ترکیه و مواضع اتحادیه اروپایی

در ابتدا لازم است گفته شود که تحلیل‌های مربوط به کردهای ترکیه به محرومیت نسبی در بافت و بطن جامعه آنها نپرداخته و اصولاً کردها را جدایی‌طلب معرفی کرده است، طوری که تمامیت ارضی و امنیت ترکیه را تهدید می‌کنند و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه بیشتر روی اقدامات تروریستی این حزب متمرکز شده و به خشونت ساختاری، تاریخ شکل‌گیری خشونت حزب و در پی آن به اکراد توجهی نشده، البته این امر و سکوت حاصله از آن به نفع دولت ترکیه بوده است. (قوام، ۱۳۹۳: ۵۶۶-۵۶۵)

می‌توان گفت که به اقدامات خشن حزب پ.ک.ک تنها از طریق نظریه‌های مشکل‌گشا نگاه شده و این امر اقدامات ضدتروریستی دولت را تأیید می‌کند؛ یعنی در بررسی‌ها به اخلاقیات پرداخته نشده است، و مسئله اکراد با نگاهی تقلیل‌گرایانه^۱ مطالعه شده و باید به نظریه‌های انتقادی

^۱. Reductionist

در این زمینه توجه بیشتری شود. (قوام، ۱۳۹۳: ۵۶۸) رفتار خشونت‌آمیز پ.ک.ک نمی‌تواند از بافت اجتماعی دولت ترکیه جدا باشد، بنابراین لازم است که رفتار خشونت‌آمیز آنها را به‌عنوان واکنشی در مقابل سرکوب و کنترل‌های اجتماعی دولت حاکم بررسی کنیم تا در این زمینه به راه حل مناسب‌تری دست یابیم. ضمن اینکه پدیده تروریسم ناشی از ناهنجاری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. (قوام، ۱۳۹۳: ۵۸۰)

اردوغان طی سفری که به نروژ داشت، اعلام کرد که «همه شهروندان ترکیه با وجود هویت ثانوی‌شان در چارچوب هویت برتر شهروند ترکیه متحد هستند و هیچ‌کس نباید از این مسئله احساس حقارت کند و یک کرد می‌تواند بگوید من یک کرد هستم.» می‌توان به این نتیجه رسید که اردوغان در مورد کردها موضع ثابتی ندارد و به‌طور مداوم تغییر موضع می‌دهد و خواهان این است که با پرچمی واحد کشوری واحد و ملتی واحد داشته باشد و به این طریق مسئله کردی حل شود، اما راه حل خاصی برای آن تعریف نکرده است.

در جولای ۲۰۱۵ روند اصلاحات صلح‌آمیز با کردها متوقف شد و نظام بین‌الملل شاهد خشونت پ.ک.ک، واکنش شدید دولت ترکیه در مقابل آنها بود، طوری که درگیری‌هایی بین شهروندان عادی کرد و نیروی پلیس صورت گرفت، البته اتفاقات منطقه‌ای مانند سیل آوارگان از سوریه و عراق، وضعیت شرق و جنوب شرقی ترکیه را تشدید کرده است. (European Commission, 2015)

آزادی‌های سیاسی - مدنی در ترکیه و موضع اتحادیه اروپایی

روند اصلاحات در ترکیه شامل دو دوره زمانی می‌باشد که دوره دوم این اصلاحات توسط حزب عدالت و توسعه صورت گرفت. در این دوران نهادهای بین‌المللی، اتحادیه اروپا و نخبگان سیاسی، یکی از عوامل موثر برای حزب محسوب می‌شدند تا این کشور روند اصلاحات را با سرعت بهتری انجام دهد. به‌رغم این اصلاحات، سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی اعلام نموده است که امکان دادگاه‌های غیرقانونی و ناعادلانه در ترکیه، به صورت گسترده‌ای اجرا می‌شود. (Akcakoc, 2006)

ترکیه به‌رغم داشتن سیستم انتخاباتی و اعمال اصلاحات، وجهه دموکراتیک جهانی‌اش رو به تضعیف می‌باشد، طوری که برخی از تحلیلگران این کشور را با چین و روسیه مقایسه می‌کنند و

این امر به مفهوم دموکراسی پیش‌رونده حزب عدالت و توسعه آسیب می‌رساند. عدم مجوز به انتشار مقاله‌ها و کتاب‌هایی به‌منظور انتقاد از دولت، منجر به ایجاد پارادوکس در این کشور شده است؛ زیرا از یک طرف دولت به‌صورت مداوم از جامعه کثرت‌گرا حمایت می‌کند و از طرفی دیگر، فعالان سیاسی و مدنی را دستگیر و محدود می‌کند، طوری‌که مجبور به خودسانسوری هستند. ترکیه در واقع جامعه‌ای چندوجهی با الگوهای متنوع از شیوه زندگی را دربر دارد و همین امر این کشور را آسیب‌پذیرتر کرده است (Mayr, 2013: 120-137).

قابل توجه می‌باشد که در یونان، رومانی و بلغارستان حقوق بشر کماکان نقض می‌شود و این کشورها نیز از شرایط اقتصادی نامناسبی برخوردار هستند و این در حالی است که اتحادیه اروپا نسبت به این مسائل بی‌توجه بوده، در نتیجه این امر نشان می‌دهد که مورد ترکیه برای الحاق متفاوت می‌باشد. حقیقت اصلی در مورد الحاق ترکیه به هیچ یک از ضوابط قانونی اتحادیه اروپا و یا الزامات اقتصادی روابط بین‌الملل ربطی ندارد و این امر نشان‌دهنده مفهوم غرب - شرق - اسلام و مسیحیت می‌باشد و کاربرد اصطلاح (فرهنگی متفاوت دیگری) تنها حسن تعبیری برای اصطلاح دین مسلمانان می‌باشد. (Tocci, 2014: 16-24).

مواضع اتحادیه اروپایی در قبال موج اسلام‌گرایی در ترکیه

در ابتدا لازم است نظریه دیدگاه ماکس وبر در مورد توسعه مدرنیته ارایه شود که عبارت است از: یک. به علت تفاوت ساختاری در زمینه‌های اجتماعی، دین باید از سیاست، اقتصاد، و علوم تجربی جدا باشد و تنها به حوزه خود محدود شود؛ دو. خصوصی‌سازی دین در زمینه خاص خود؛ و سه. کاهش جایگاه اجتماعی اعتقادات دینی در عرصه اجتماعی. (Weber, 1974)

از آن جهت که ترکیه در طی قرون متمادی، مرکز اقتدار مسلمانان و داعیه‌دار خلافت اسلامی بوده است، سیاست‌مدارانی با گرایش‌های اسلامی در عرصه بین‌الملل تا حدودی به نقش رهبری اسلامی خود تاکید ورزیده‌اند، در هر صورت اسلام‌گرایان ترکیه در مسائل بین‌المللی از منافع مسلمانان بسیار دفاع کرده‌اند. (Basak, 2008)

اردوغان در پنجمین جلسه شورای دینی وزارت دیانت، تلویحا از آتاتورک، موسس جمهوری ترکیه، به علت عدم تطبیق دین با منطق و علم انتقاد نمود. در دوره اردوغان دولت کماکان خواهان این بوده است که مسائل دینی مردم را عمومیت بخشد. در جولای ۲۰۱۴ طی کنفرانس بین‌المللی در استانبول این سازمان به اتحاد بین تسنن و تشیع تاکید نمود، و خواهان بسته شدن منازل عبادی علوی‌ها (به عنوان شاخه‌ای از اسلام) گردید که اتحادیه اروپایی این امر را مخالف موازین حقوق اقلیت‌ها می‌داند.

در واکنش اتحادیه اروپا اذعان می‌کند که سازمان دیانت ترکیه، ابزاری است که برنامه‌های سیاسی اردوغان را در سطح داخلی و خارجی پیاده می‌کند و حتی اذعان نموده است که این سازمان تحت کنترل شدید اردوغان، به شیخ‌السلام دوره عثمانی شباهت دارد. (Kylstad, 2010: 11-12)

وضعیت زنان در ترکیه و موضع کشورهای اروپایی

جامعه بین‌الملل در دهه‌های اخیر شاهد جنبش زنان^۱ در ترکیه می‌باشد که با دیگر جنبش‌های سابق متدوال زنان ترک متفاوت بوده، این اقدامات نشان‌دهنده نوع جدیدی از هویت‌ها و گسترش جامعه معاصر ترکیه به جنبش‌های اجتماعی، سیاسی و مدنی می‌باشد که نشانه دوره گذار فرهنگی و اجتماعی مردم ترکیه است. (Brennan and Herzog, 2014: 119)

در این بخش در ابتدا به وضعیت زنان ترک و آمار مربوط به آنها در زمینه‌های مختلف، جنبش‌ها و نهادهای مربوط به آنها سپس دیدگاه‌های حزب عدالت و توسعه پرداخته می‌شود؛ ۱/۵ زنان اعلام کرده‌اند که همسر و یا دیگر اعضای خانواده‌شان به آنها اجازه کار کردن را نمی‌دهند، همچنین ۴۲.۲ درصد از زنان در مشاغل کشاورزی فعال، و این در حالی است که حدود ۱۹ درصد از مردها در این زمینه فعال هستند. میزان بی‌سوادی^۲ ۹.۹ درصد می‌باشد. ۱/۵ درصد زایمان‌ها در منازل بدون حضور افراد متخصص و کمک‌های پزشکی صورت می‌گیرد.

^۱. Woman Movement

^۲. Illiteracy

بعد از دهه ۱۹۸۰ بود که زنان به‌رغم تفاوت‌هایشان خواهان حقوقی مساوی با مردها شدند. سازمان‌های مربوط به زنان بیشتر از دهه ۱۹۸۰ تاسیس گردیدند و دارای فعالیت‌های جداگانه و مستقل از دولت می‌باشند و در همین دهه روزنامه‌ها و مجلات مربوط به زنان توسعه یافتند، از طرفی خشونت داخلی، عدم برابری قوانین مدنی منجر به موجی از تغییرات در میان زنان شده است. در دهه ۱۹۹۰ چندین نهاد به نام‌های مرکز اطلاعات زنان و بنیاد پناهگاه زنان^۱ در استانبول تعطیل گردید که این نهادها خواهان حذف هرگونه تبعیض علیه زنان هستند.

در هشتم مارس ۲۰۰۸ اردوغان در روز زن به داشتن سه فرزند تاکید کرد و اضافه نمود که اگر نرخ زاد و ولد به همین صورت باشد، ترکیه در آینده جمعیتی پیر خواهد داشت و تاکید کرد که «من به همه زنان پیشنهاد می‌کنم که حداقل سه فرزند به دنیا بیاورند زیرا بچه برکت است.» از طرفی نخست‌وزیر ترکیه در ۲۵ می ۲۰۱۲ سقط جنین را معادل قتل عمد می‌داند، به‌طور کلی می‌توان گفت سیاست حزب عدالت و توسعه در قبال زنان بیشتر به مسئله باروری و نقش مادرانه آنها خلاصه می‌شود، به‌عبارتی دیگر می‌توان گفت زنان زمانی موضع دولت قرار می‌گیرند که در خانواده نقش آنها بررسی می‌شود و فعالان زنان باور دارند که با توجه به اقدامات حزب توسعه و عدالت زن نه به‌عنوان فرد بلکه بیشتر به‌عنوان عنصری در خانواده ارزیابی می‌شود. (Brennan and Herzog, 2014: 120-139)

ترکیه و ارامنه؛ تاثیر لابی ارامنه بر روابط ترکیه و اتحادیه اروپایی

در ابتدا توضیح مختصری در باب رابطه ارمنستان با اتحادیه اروپا ارائه می‌گردد، سپس رابطه ترکیه و ارمنستان بررسی می‌شود و در پایان تاثیر ارامنه بر روابط بین ترکیه و اتحادیه اروپا تحلیل می‌گردد. رئیس جمهور ارمنستان (۲۰۰۳) در بروکسل اذعان نمود که ارمنستان خواهان این است که اصلاحاتی را بر اساس استانداردهای اتحادیه اروپا پیاده کند. ارمنستان و اتحادیه اروپا در بسیاری از موارد در سطوح مختلف بر اساس توافق همکاری مشارکتی^۲ روابطشان را با یکدیگر ادامه دادند.

^۱. Women's shelter foundation

^۲. Partnership Cooperation Agreement

ترکیه کماکان با فشارهای خارجی بازیگران اروپایی و فشارهای داخلی در مورد معمای ارامنه دست‌وپنجه نرم می‌کند، و اکنون ترجیح می‌دهد این معما (کشتار ارامنه) را به مورخین محول کند. فرانسه، روسیه، یونان، کانادا و سوییس از ترکیه تقاضا کرده‌اند که نسل‌کشی ارامنه را به رسمیت بشناسد و این در حالی است که پارلمان اروپایی و کنگره آمریکا این اتفاق را به رسمیت شناخته‌اند. ولی دولت ترکیه در برابر اقدامات مذکور حالت دفاعی از خود نشان داد. علاوه بر این، ملی‌گرایان ترک مخالف بررسی و تحلیل تاریخی رابطه ترکیه - ارامنه با مفهوم قتل عام می‌باشند، که این امر برای حزب عدالت و توسعه بسیار مشکل‌ساز است؛ زیرا از یک طرف افکار عمومی داخلی و اکثریت ترک‌ها مخالف چنین امری می‌باشند. (Bokeestijan, 2006)

برخی از پژوهشگران اروپایی مسئله آوارگی و نسل‌کشی ارامنه را به عنوان نوعی وسواس فکری برای دولت ارمنستان و برای ترک‌ها به عنوان اغراق در پذیرش آن می‌دانند و در ادامه تاکید کرده‌اند که در ارمنستان مسائلی از جمله دموکراسی، حکومت‌داری مطلوب و حمایت از حقوق بشر از اهمیت بیشتری در قیاس با مسئله نسل‌کشی برخوردار است و اضافه کرده‌اند دولت ارمنستان به جای برجسته کردن نسل‌کشی، بهتر است به حکومت‌مداری مطلوب بپردازد. برخی از تحلیلگران معتقد هستند که تاکید آمریکا بر نسل‌کشی می‌تواند برای ترکیه در رابطه با ارمنستان به عنوان اهرمی عمل کند و به این معنا می‌باشد که ترکیه اهمیت راهبردی‌اش را برای آمریکا از دست داده است. همچنین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به ترکیه اعلام نمودند که در صورت بازگشایی مرزها و افزایش همکاری با ارمنستان، موضوع نسل‌کشی از اذهان بین‌الملل تا حدودی کاهش می‌یابد. (Chatham House, 2010)

قابل توجه است که مسائلی؛ از جمله تغییرات سیاسی در پی انتخابات سال ۲۰۰۸ در این کشور و اتهاماتی مثل تقلب که منجر به دستگیری و مرگ ده تن نیز شده، باعث شده است که ارمنستان خود را به اتحادیه اروپا نزدیک‌تر سازد و به تقویت جامعه مدنی‌اش بپردازد و هم‌گرایی اقتصادی بیشتری با اتحادیه اروپا برقرار کند. البته این در حالی است که در پی بحران اوکراین و اشغال کریمه توسط روسیه، ارمنستان از پیش خود را بیشتر با اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی نزدیک‌تر سازد تا بتواند موضع قوی‌تری را به دست آورد. (Chilett, 2015: 12-17)

نوعثمانی‌گری در ترکیه و نگرانی‌های اروپا

یکی از پدیده‌های شگفت‌انگیز قرن بیستم به این صورت می‌باشد که دولت‌ها در نظام بین‌الملل بعد از مواجه شدن با مشکل و یا ضربه‌ای، معمولاً با تاخیری ۱۵ ساله از خود واکنش نشان می‌دهند: مانند هیتلر، که تقریباً ۱۵ سال بعد از شکست آلمان در جگ جهانی اول به قدرت رسید.

(The Psychology of Genocide and Violent Oppression, 2010)

چیستی و هویت دولت‌ها حاصل اتفاقات تاریخی آن است. (چرنوف، ۱۳۸۸: ۲۹۵) سخنان اردوغان درباره نوعثمانی‌گری و بازگشت به امپراتوری عثمانی برای اتحادیه کماکان خوشایند نیست. همچنین در مراسم خوشامدگویی اردوغان در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۵ از محمود عباس، و عبور او از میان سربازانی که لباس سلحشوران عثمانی را به تن داشتند، برای منتقدین غربی خوشایند نبود و معتقدند که این امر نشانه گرایش‌های نوعثمانی‌گری اردوغان است. (International Press Institute, 2015: 25)

این سوال مطرح می‌شود که به‌رغم تلاش‌های حزب عدالت و توسعه، برای الحاق به اتحادیه اروپا از یک طرف و به‌کارگیری گفتمان احیای مذهبی عثمانی از طرفی دیگر، این دو مسئله با یکدیگر در تناقض هستند؛ زیرا تمایلات نوعثمانی‌گری در مقابل روند غربی‌سازی ترکیه قرار دارد، و این در حالی است که سیاستمداران ترکیه نسبت به میراث عثمانی نگرش منفی‌شان کاهش یافته است و آن را مانعی در مقابل غربی‌سازی و پیشرفت نمی‌دانند، بسیاری بر این باور هستند که حزب عدالت و توسعه نتیجه گفتمان احیای اسلامی - عثمانی می‌باشند. (Barker, 2012: 7-10)

داوود اغلو در مصاحبه‌ای با روزنامه صباح اعلام کرد که عنوان نوعثمان‌گری کاملاً اشتباه است و ترکیه قصد سیادت بر ملت‌های منطقه‌ای را ندارد و تنها با توجه به پتانسیل امکانات طبیعی و انسانی سیاست خارجی فعالی را در پیش می‌گیرد. وی در ادامه اذعان نمود که از ساریوو، بغداد، استانبول و پایتخت چچنی، خاطره امپراتوری عثمانی در همه جا در جریان است؛ زیرا تاریخ منبع قدرت دولت‌ها می‌باشد. (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۹۸)

حال به بررسی دیدگاه‌های پژوهشگران این حوزه پرداخته می‌شود.

نوعثمانی‌گری ترکیه را می‌توان به سیاست خارجی فعال این کشور در جنوب شرقی اروپا با

تاکید بر منطقه بالکان نسبت داد و فعالیت این کشور برای نفوذ در بالکان را تداعی‌کننده خواسته‌های ترکیه با نقاب عثمانی‌گری تحلیل نمود. ترکیه از سیاست خارجی پویایی برخوردار می‌باشد، از طرفی در گذشته سیاست خارجی‌اش با متحدین غربی هماهنگ بود. امروزه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و رشد اقتصادی‌اش توانسته در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای قدرت قابل‌توجهی داشته باشد.

بالکان منطقه‌ای مهم و باثبات برای امپراتوری عثمانی محسوب می‌شود، مناطق عربی نیز به امپراتوری عثمانی تعلق داشتند، اما منطقه بالکان و ترکیه امروزه دارای میراث مشترک عثمانی و ریشه‌های مشابه ترکی هستند و این در حالی است که بالکان دارای موقعیتی راهبردی برای ترکیه به‌منظور الحاق به نهادها و سازمان‌های اروپایی می‌باشد.

عبدالله گل در دیدارش در سپتامبر ۲۰۱۱ از سارایوو (پایتخت بوسنی و هرزگوین) اعلام کرد که ترکیه از تمامیت ارضی و اتحاد بوسنی و هرزگوین حمایت می‌کند. در مقابل رهبران قومی بوسنیایی از ملاقات با عبدالله گل امتناع کردند و ترکیه را به داشتن دستورالعمل مخفیانه برای بالکان متهم نمودند. در واکنش، ترکیه پاسخ داد که می‌خواهیم این منطقه به‌عنوان قلب اروپا به مسیری اقتصادی - سیاسی تبدیل شود. قابل توجه است که یکی از اساتید دانشگاه سارایوو در تحلیلی در مورد نوعثمانی‌گری ترکیه اذعان نمود: «کاملاً اشتباه است که سیاست خارجی پویای این کشور را به نوعثمانی‌گری ارتباط دهیم؛ زیرا ترکیه خواهان عمل‌گرایی برای امن‌سازی منطقه از طریق ایجاد محیطی صلح‌آمیز و باثبات در مرزهایش می‌باشد و نوستالوژی نوعثمانی‌گرایی در کار نمی‌باشد.» (Somun, 2010)

برخی دیگر معتقدند که در دنیای چندقطبی، قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ترکیه خواهان این هستند که نقش میانجیگری را در این منطقه داشته باشند، و در این شرایط، روسیه مشکوک، اروپا نگران، و آمریکا حضور ترکیه را مشکل‌ساز می‌بینند و ترجیح می‌دهند آن را با القابی چون نوعثمانی‌گری، اسلام‌گرایی و امپراتوری تفسیر کنند. (Somun, 2010)

برخی از محققین معتقدند که جهت‌گیری‌های جدید در سیاست خارجی ترکیه از اروپا به‌سوی خاورمیانه و شمال آفریقا به‌معنای دوری جستن از غرب نمی‌باشد، همچنین نوعثمانی‌گری را

بیشتر با مفهوم اسلام‌گرایی تفسیر می‌کنند، که آنتی‌تزی در مقابل برداشت کمال‌گرایان، سکولارهای نظامی، ملی‌گرایان و غرب‌گرایان می‌باشد.

برخی از مفسرین غربی برداشت‌های داوود اغلو و دیگر اعضای حزب عدالت و توسعه را مبنی بر وجه اشتراک تاریخی و عمق فرهنگی دوران عثمانی، با منطقه بالکان را، با دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها مقایسه می‌کنند که خواهان برقراری ارتباط بیشتری با تاکید بر تجربیات تاریخی و فرهنگی مشترک با کشورهایی از جمله مصر، ایتالیا، هند، و یونان بوده است. ترکیه نیز مشابه ایران با اصرار بر وجه مشترک تاریخی - فرهنگی خواهان برقراری روابط عمیق‌تری با کشورهای حوزه بالکان می‌باشد. (Wastnidge, 2015)

علاوه بر این می‌توان گفت که حزب عدالت و توسعه در سیاست داخلی‌اش نوع‌ثمنانی‌گری را در سه وجه احیا نموده است، که به شرح زیر می‌باشد:

یک. بین اعضای بالارترتبه حزب عدالت و توسعه بر اساس اصل و نسب هم مانند اعضای کاخ پادشاهی کماکان سلسله‌مراتبی وجود دارد؛ دو. با تاکید بر این موضوع که دشمنان تاریخی امپراتوری عثمانی، امروزه نیز خواهان این هستند که قدرت و نفوذ ترکیه را در منطقه کم کنند؛ و سه. حامیان حزب عدالت و توسعه تلاش می‌کنند که بین اعضای عالی‌رتبه حزب و پادشاهان عثمانی از لحاظ ژنتیکی ارتباطی برقرار کنند، به‌عنوان مثال اردوغان در یکی از سخنرانی‌هایش تاکید کرد که ما نوادگان عثمانی‌ها می‌باشیم.

همچنین دبیر رسانه حزب عدالت و توسعه از اردوغان نقل کرد که یکی از رویاهای سلطان عبدالحمید، ایجاد مسیری بین شمالی‌ترین و جنوبی‌ترین شهرهای ترکیه می‌باشد، و این در حالی است که تونل زیرزمینی مارماری مناطق آسیایی و اروپایی استانبول را به یکدیگر ارتباط داده، تحقق رویای این پادشاه عثمانی می‌باشد. از دیدگاهی دیگر نیز شاهد نوعی دیکتاتوری و خودکامگی تدریجی قدرت حزب در سیاست داخلی ترکیه می‌باشیم، همچنین ارتقاء موقعیت اردوغان به‌عنوان رئیس جمهوری قدرتمند، تداعی‌کننده میراث استبدادی سلطان عبدالحمید دوم می‌باشد. (Czajka and Wastnidge, 2014)

کودتا و دموکراسی

واکنش اردوغان به کودتای نافرجام با متوقف نمودن موقتی کنوانسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا و اخراج ۸۰۰۰۰ نیروی رسمی از موقعیت شغلی به کودتا بوده، و این امر می‌تواند بر روابط ترکیه و دیگر متحدینش در ناتو و همچنین اتحادیه اروپا تاثیرگذار باشد. طبق گزارشات، حدود ۱۶۰ تن از شهروندان ترکیه در پی درگیری نیروهای پلیس کشته شدند.

جامعه بین‌الملل دقایقی بعد از انتشار خبر کودتا شاهد حضور تانک‌های نظامی در استانبول و فرودگاه‌های مهم ترکیه بوده، همچنین دسترسی به یوتیوب، توئیتر و فیس‌بوک محدود گردید و موج دستگیری، بازداشت و اخراج گسترده‌ای از کارمندان دولت، سربازان، نظامیان، اساتید دانشگاه، و روزنامه‌نگاران نیز افزایش یافت. دولت ترکیه اعلام نمود که ترکیه وارد دوره‌ای جدید و متفاوت از روابطش با اتحادیه اروپا شده است.

حال واکنش جوامع بین‌المللی به دولت ترکیه بررسی می‌شود. اتحادیه اروپا نیز در پی کودتای نافرجام، اذعان نمود تا زمان پایان یافتن اقدامات سرکوبگرانه خواهان توقف موقت مذاکرات الحاق گردید و در ادامه اذعان کردند که چنین اقداماتی، ضربه‌ای بزرگ به سیستم دموکراسی ترکیه وارد می‌کند. همچنین اتحادیه اروپا به آنکارا مبنی بر اجرای مجدد حکم مجازات مرگ در قانون اساسی ترکیه هشدار داد؛ زیرا این امر احتمالاً مذاکرات الحاق را به تعویق می‌اندازد. همچنین جامعه بین‌الملل خواهان پرهیز از هرگونه اقدام خشونت‌آمیز می‌باشد و از نهادهای دموکراتیک برای تحکیم دموکراسی دعوت به همکاری نمود. علاوه بر این، بسیاری از رهبران سیاسی کودتا را محکوم کردند. از طرفی از دولت ترکیه خواهان توقف موج گسترده بازداشت‌ها گردید و این در حالی است که آنکارا، کودتا را به حزب مخالف فتح‌الله گولن روحانی منتقد نسبت داد و به کرات اروپا را از طریق عدم پذیرش مهاجران و محول نمودن این بحران، به این قاره تهدید نموده است.

همچنین حزب عدالت و توسعه رسماً از مردم درخواست نمود که در تظاهراتی به نشانه حمایت از دموکراسی شرکت نمایند و بسیاری از مردم در میدان تقسیم تجمع نمودند. همچنین شاهد چنین تظاهرات مشابهی در شهر کرد نشین دیاربکر و شهرهای ساحلی از میر و آنتالیا بوده‌ایم. بسیاری از منتقدین غربی معتقد هستند که در چندین سال اخیر در پی تظاهرات پارک

گری و اتهام فساد گسترده سال ۲۰۱۳، اردوغان تمام تلاش خود را نمود تا در مسند قدرت باقی بماند، بنابراین می‌توان اذعان نمود که کودتای نافرجام ماه جولای برگ برنده‌ای برای تثبیت هرچه بیشتر قدرت اردوغان می‌باشد. (Chatham House, 2016)

نتیجه‌گیری

اکثریت اعضای حزب عدالت و توسعه، اتحادیه اروپا را به‌عنوان برنامه‌نهایی ترکیه برای مدرنیته و دموکراسی می‌دانند، با وجود این شاهد بی‌اعتمادی حزب نسبت به اتحادیه اروپا می‌باشیم و علت آن از عملکرد دوگانه اتحادیه در قبال این کشور نشئت می‌گیرد. حتی احتمال این وجود دارد که ترکیه دیدگاهش به اتحادیه اروپا تغییر کند. بسیاری بر این باورند که ترکیه در صورت الحاق می‌تواند الگوی مناسبی برای دیگر کشورهای مسلمان منطقه باشد، اما حقیقت این است که ترکیه به‌عنوان میراث‌دار اسلام، مانع از اعمال اصلاحات دموکراتیک نگشته است. با وجود این، روند الحاق اتحادیه اروپا که نقشی اساسی در ایجاد تغییرات و اصلاحات در ترکیه بازی می‌کند، کماکان نامعلوم و مبهم باقی مانده است. همچنین ترکیه تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه نتوانسته با موضوعاتی مانند هویت، اسلام، و اسلام سیاسی به توافق برسد.

از منظر روان‌شناختی و سیاسی، روابط ترکیه و اتحادیه اروپا نامتوازن می‌باشد و ترکیه در صورت الحاق از لحاظ سیاسی و اقتصادی می‌تواند بیش از اتحادیه اروپا به‌دست آورد و قطعاً موقعیت این کشور بهبود می‌یابد. همچنین در ترکیه تضاد فرهنگی میان طبقات اجتماعی وجود دارد و همین امر یکی از عوامل مهم عضویت در اتحادیه اروپایی می‌باشد، اما همان‌طور که ذکر شد، در صورت عدم پذیرش، احتمال دارد ترکیه تغییر موضع دهد و به دیدگاه‌های مذهبی-سیاسی بازگردد و با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک‌اش، این امر برای جامعه بین‌الملل مشکل‌ساز می‌شود و احتمال دارد که رادیکالیسم مذهبی تقویت گردد. ضمن اینکه بعد از کودتای نافرجام، دولت ترکیه اذعان نمود که ترکیه با اتحادیه اروپا وارد مرحله جدیدی می‌شود.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. انتخالی، نادر (۱۳۹۲)، دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران: انتشارات هرمس.
۲. قهرمان پور، رحمن (۱۳۹۴)، هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه، تهران: انتشارات روزنه.
۳. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳)، کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل، سیاست بین‌الملل در عرصه تنوری و عمل، انتشارات دنیای اقتصاد.
4. Akckoca, Amanda (2006), EU- Turkey Relations 43 Years on: Train Crash or Temporary Derailment? EPC Issue Paper Number 50.
5. Albion, Adam Smith (2011), Country at the Crossroad. Freedom House Institute.
6. Axelrod Robert (2007), Promoting Democracy Through International Organizations, University of Michigan.
7. Bokestijan Arend Jan (2006) , the Ottoman Armenian tragedy is genuine historic controversy. Utrecht University, Netherlands.
8. Barker J Paul (2012), Turkish religious identity and the question of EU membership. Institute for Cultural Diplomacy.
9. Barker Paul, (2012) , Turkish religious identity and the question of EU membership. Institute for cultural diplomacy. 1 - 25.
10. Basak Zelal (2008), EU conditionality and minority rights: a contradictory change in Turkey, University of Cologne, Germany.
11. Bozkurt, Emine, (2010) , Women's human rights, Turkey's way to Europe.
12. Brennan Shane and Herzog Marc (2014), Turkey's and political of national identity: social, economic and cultural transformation, British Institute at Ankara.
13. Chislett William (2015), Turkey's 10 years of EU accession negotiation: no end in sight, Elcano Royal Institute.
14. Cinar Beikir (2007), Neglected Ethnic groups of Turkey, *European Studies Journal*.
15. Cinar Ozgar Heval and Yildirm Mine (2014), Freedom of religious and belief in Turkey. Cambridge scholars publishing.
16. Czjka Agnes and Wastnidge (2014), The center of world politics? Neo - Ottomans in foreign and domestic politics.
17. Deverall Edward (2004), Minorities in turkey. The journal of European policy studies. 1 - 23
18. European parliament. (2005), Directorate general external policies of the union.
19. European Union Center of North Carolina (2008), Turkey's quest for EU membership. EU briefings.

20. Gehard Jurgen and Hans Silk (2010), Why not turkey among citizens in 27 European countries. The journal of common market studies, 1 - 5.
21. Gol Ayla (2009), The identity of turkey: Muslims and secular. The journal of third world quarterly. 1 - 14.
22. Grabbe Heather and Ulgan Sinan (2010), The way forward for Turkey and EU, a strategic dialogue for foreign policy. Carnegie Endowment for international peace. International Press Institute, 2015
23. Kurban Dilek (2007), A quest for equality: minorities in Turkey, The report of minority rights group international.
24. Kystad Ingrid (2010), Turkey and EU: A new European identity in the making? London school of economics and political science, (LEQS).
25. Lessar LAN. (2008), Ethnic and religious strains in Turkey: internal and external implication. Journal of eastern studies, 2 - 20.
26. Minasian Sergey (2008), EU Armenian cooperation and the new European neighborhood policy. International IDEA.
27. Morrock Richard (2010), The psychology of genocide and violent oppression, Mcfarland&Company, Inc, North Carolina.
28. Morsink, Johannes. (1999), the universal declaration of human rights: (origin, drafting and intent). University of Pennsylvania press.
29. Muiznieks Nils (2013), The report commission for human rights of council of Europe.
30. Pierini Marcand Mayr Markus (2013), Press freedom in Turkey, The Carnegie Endowment for international Peace.
31. REP seminar summary (2010), Turkish Armenian Diplomacy: bilateral and regional implication of efforts to membership relations, Chatham House.
32. Somun Hajrudin (2011), Turkish foreign policy in Balkans and neo - Ottomans, *The journal of the insight Turkey*.
33. The report of EU center of North Carolina (2008).
34. Tocci Nathalie (2014), Turkey and EU, a journey in the unknown, Center on US and Europe at Brookings.
35. Toghil James (2012), Are the official economic and political obstacles to Turkey's EU accession as a fig leaf covering real unofficial cultural and religious reservation? (University of Leeds).
36. Weber, Max (1974), Economy and society, university of California press.

37. Yackley Joseph (2008), Turkey, the EU and democracy: how public opinion divides Ankara and Brussels, Swiss Federal Institute of technology Zurich.
38. Yavuz M. Hakan (2007), Five stages of construction of Kurdish nationalism in Turkey, Routledge Taylor and Francis group.
39. Yilmaz Gozde (2012), What the EU can do to support future minority Protection in Turkey, (KFG) the transformative power of Europe.